

# بررسی اثرات حذف تعرفه تجاری ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در بخش‌های مختلف اقتصادی

یاسر بلاغی اینالو، \* مهدی نجاتی، \*\* مجتبی بهمنی \*\*\* و سیدعبدالمجید جلایی \*\*\*\*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹	شماره صفحه: ۲۶۴-۲۲۱
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

با شناخت دقیق اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌توان همگرایی اقتصادی با این اتحادیه را در راستای تأمین منافع ملی جهت‌دهی کرد. در این پژوهش آثار حذف تعرفه تجاری ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر رفاه و تراز تجاری بخش‌های مختلف اقتصادی، براساس الگوی پروژه تحلیل تجارت جهانی و نسخه ۱۰ پایگاه داده‌های آن، در چهار سناریو (کاهش ۲۵ درصدی، کاهش ۵۰ درصدی، کاهش ۷۵ درصدی و کاهش ۱۰۰ درصدی نرخ تعرفه‌ها) با بسته نرم‌افزاری GEMPACK تحلیل شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کاهش تعرفه‌های بخش کشاورزی تأثیر مثبتی بر رفاه ایران دارد و هر چه درجه آزادسازی تجاری بیشتر باشد رفاه نیز افزایش می‌یابد، اما کاهش تعرفه‌های بخش کشاورزی تأثیر مثبتی بر تغییر تراز تجاری بخش‌های صنعت، خدمات و نفت و گاز و تأثیر منفی بر تغییر تراز تجاری بخش کشاورزی در ایران دارد. همچنین کاهش تعرفه‌های بخش صنعت تأثیر منفی بر رفاه و تغییر تراز تجاری ایران دارد. کاهش تعرفه‌های بخش کشاورزی بر ارزش صادرات ایران اثر چندانی ندارد و صرفاً ارزش واردات افزایش می‌یابد و بیشترین آثار کاهش تعرفه‌های بخش کشاورزی بر بخش صنعت منعکس می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** آزادسازی تجاری؛ اتحادیه اقتصادی اوراسیا؛ پروژه تحلیل تجارت جهانی؛ رفاه اقتصادی

\* دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)؛  
Email: y.balaghi@aem.ac.ir

\*\* دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران؛  
Email: mnejati@uk.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران؛  
Email: mbahmani@uk.ac.ir

\*\*\*\* استاد گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران؛  
Email: jalae@uk.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصد و دوازدهم، زمستان ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2022.4753.4617

## مقدمه

تجارت بین‌المللی شامل مبادله کالا و خدمات در بین کشورهای مختلف است، کل تجارت از مجموع صادرات و واردات به دست می‌آید، صادرات کالاها و خدمات باعث تقویت اشتغال و رشد اقتصادی می‌شود، با گذشت زمان، بنگاه‌ها در تجارت جهانی به مزیت رقابتی دست می‌یابند، تحقیقات نشان می‌دهد که بهره‌وری بنگاه‌های صادرکننده کالا نسبت به بنگاه‌های دیگر بیشتر است، به‌طورکلی تنها راه تقویت صادرات، تسهیل تجارت است، تسهیل تجارت با کاهش تعرفه‌ها و حذف موانع تجاری امکان‌پذیر است، تأثیر کاهش یا حذف تعرفه بر قیمت‌ها یا انتقال تعرفه مدت‌هاست که در ادبیات اقتصاد بین‌الملل مورد مطالعه قرار گرفته است. بررسی اینکه چه کسی از آزادی تجارت سود می‌برد و تا چه میزان، یک مسئله اساسی تلقی می‌شود. در مطالعات متعددی آثار حذف تعرفه از دید تولیدکنندگان یا صادرکنندگان و از دید مصرف‌کنندگان یا واردکنندگان بررسی شده است (Han et al., 2016: 2). ادبیات اقتصادی نشان داده است که هم تولیدکنندگان و هم مصرف‌کنندگان از مزایای کاهش تعرفه بهره‌مند می‌شوند (Baek et al., 2021: 2).

کشورهایی که آمادگی لازم برای ورود ناگهانی به تجارت آزاد را ندارد، حضور در موافقت‌نامه‌های تجاری دو یا چندجانبه می‌تواند به عنوان تمرین عملی برای الحاق به موافقت‌نامه‌های گسترده‌تر نظیر سازمان تجارت جهانی باشد. در خاورمیانه با توجه به وجود سازمان‌های منطقه‌ای همچون اتحادیه عرب (ایران عضویت ندارد)، اکو، اوپک، شورای همکاری خلیج فارس (ایران عضویت ندارد)، در قفقاز سازمان منطقه‌ای گوام و در آسیای مرکزی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای، ظرفیت خوب و مناسبی وجود دارد که سیاست خارجی ایران می‌تواند از این ظرفیت‌ها در راستای منافع ملی خود بهره‌برد. تسریع برای حضور و عضویت در آنها، همچون سازمان همکاری

شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، می‌تواند نقش ویژه‌ای در ارتقای جایگاه و موقعیت ژئواکونومیک و تقویت منافع ملی ایران داشته باشد (مهکویی و گودرزی، ۱۳۹۸: ۵۲۰). اقتصاد ایران در پرتوی یکپارچگی با اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌تواند فرصت‌ها، مشکلات و چالش‌های ورود به سازمان تجارت جهانی را تجربه کند. ایران پس از تحریم‌های پسابرجام، با مشکلات گسترده اقتصادی مواجه شده است و طی سال‌های پیش‌رو، ممکن است مشکلات اقتصادی آن نیز بیشتر شود، از این‌رو سیاست‌های منطقه‌گرایی ایران افزایش خواهد (طباطبائی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷). اتحادیه اقتصادی اوراسیا از جمله اتحادیه‌های اقتصادی است که در زمینه منطقه‌گرایی و در زمینه اقتصادی پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای را به خود دیده است و از این‌رو همگرایی‌هایی که ایران به خصوص از لحاظ اقتصادی به کشور اصلی این اتحادیه مانند روسیه دارد، می‌تواند راهی برای کاهش فشارهای اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی ایران منجر شود. گسترش روابط تجاری بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، توسعه روابط تجاری متقابل می‌تواند در کاهش بحران‌های سیاسی منطقه‌ای نقش مؤثری ایفا کند، ایران و اتحادیه با وجود مناسبات تجاری فعلی از روابط دوجانبه مناسبی برخوردارند که می‌تواند مشوقی برای تشکیل هم‌پیوندی تجاری منطقه‌ای محسوب شود. بنابراین با توجه به وضعیت موجود، اگر موافقت‌نامه تجاری بین ایران و اتحادیه به طور کامل اجرا شود، می‌تواند آثار اقتصادی متفاوتی بر شرکای مذاکره‌کننده داشته باشد. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که موافقت‌نامه تجاری ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا چه تأثیری بر رفاه و تراز تجاری بخش‌های مختلف اقتصادی ایران دارد؟ در این پژوهش آثار حذف تعرفه تجاری ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر رفاه و تراز تجاری بخش‌های مختلف اقتصادی، بر اساس الگوی پروژه تحلیل تجارت جهانی<sup>۱</sup> و نسخه ۱۰ پایگاه داده‌های

آن<sup>۱</sup> در چهار سناریو (کاهش ۲۵ درصدی، کاهش ۵۰ درصدی، کاهش ۷۵ درصدی و کاهش ۱۰۰ درصدی نرخ تعرفه‌ها) با بسته نرم‌افزاری GEMPACK تحلیل شده است. این پژوهش شامل ۶ بخش است، در بخش دوم حقایق آماری ارائه شده است، در بخش سوم ادبیات پژوهش شامل مبانی نظری و پیشینه پژوهش بیان شده است، در بخش چهارم به معرفی الگوی پژوهش پرداخته شده است، بخش پنجم به تحلیل نتایج اختصاص دارد و در بخش پایانی نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی آورده شده است.

### ۱. حقایق آماری

هنگام ارزیابی موافقت‌نامه پیشنهادی بین دو شریک تجاری، اطلاعات مربوط به وابستگی تجاری بین آنها به عنوان شرکای تجاری از اهمیت بسزایی برخوردار است. حجم تجارت بیشتر نشان‌دهنده هزینه‌های تجاری به نسبت کمتری بین این دو شریک تجاری در مقایسه با سایر شرکای تجاری آنهاست. این بخش می‌تواند در تعیین آثار بالقوه موافقت‌نامه تجاری مفید باشد. در جدول ۱ واردات کالا در بخش‌های مختلف اقتصادی در قیمت بازار و قیمت جهانی برحسب میلیون دلار آورده شده است. به عنوان مثال می‌توان گفت حجم واردات ایران از اتحادیه اقتصادی اوراسیا در بخش صنعت در قیمت بازاری برابر با ۱۸۵۲/۰۸ میلیون دلار و حجم واردات اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ایران در بخش کشاورزی در قیمت جهانی برابر با ۲۶۰/۱۱ میلیون دلار است.

---

۱. نسخه ۱۰ پایگاه داده پروژه تحلیل تجارت جهانی در سال ۲۰۲۰ منتشر شده است.

جدول ۱. واردات کالا در قیمت جهانی، قیمت بازار و نرخ تعرفه (میلیون دلار)

بخش خدمات	بخش صنعت	بخش نفت و گاز	بخش کشاورزی	مناطق	
۷۵۵/۳۱	۱۷۴۱/۴۷	۹/۴۶	۹۳۶/۲۰	قیمت جهانی	ایران
۷۵۸/۰۲	۱۸۵۲/۰۸	۹/۶۰	۱۲۵۳/۸۶	قیمت بازاری	
۰/۳۶	۶/۳۵	۱/۴۳	۳۳/۹۳	تعرفه	
۸۹۷/۲۲	۴۹۳/۹۹	۶۲۲/۲۰	۲۶۰/۱۱	قیمت جهانی	اتحادیه اقتصادی اوراسیا
۸۹۷/۲۲	۵۱۶/۸۵	۶۲۲/۲۴	۲۷۶/۵۹	قیمت بازار	
۰/۰۰	۴/۶۳	۰/۰۱	۶/۳۴	تعرفه	

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

در جدول ۱ نرخ‌های تعرفه بین اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ایران در بخش‌های مختلف اقتصادی براساس نسخه ۱۰ پایگاه داده‌های پروژه تحلیل تجارت جهانی آورده شده است. به عنوان مثال می‌توان گفت متوسط نرخ تعرفه بر ارزش واردات ایران از اتحادیه اقتصادی اوراسیا در بخش کشاورزی برابر با ۳۳/۹۳ درصد است و متوسط نرخ تعرفه بر ارزش واردات اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ایران در بخش صنعت برابر با ۴/۶۳ درصد است.

در جدول ۲ واردات ایران از اتحادیه اقتصادی اوراسیا و واردات اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ایران در بخش‌های مختلف اقتصادی نسبت به کل واردات آنها و نیز صادرات ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا و صادرات اتحادیه اقتصادی اوراسیا به ایران در بخش‌های مختلف اقتصادی نسبت به کل صادرات آنها در این بخش برحسب درصد براساس نسخه ۱۰ پایگاه داده‌های پروژه تحلیل تجارت جهانی آورده شده است. به عنوان مثال می‌توان گفت ۱۸/۹۹ درصد از کل واردات ایران در بخش کشاورزی از اتحادیه اقتصادی اوراسیا وارد می‌شود و ۰/۱۳ درصد از کل واردات اتحادیه اقتصادی اوراسیا در بخش صنعت از کشور ایران وارد می‌شود. همچنین می‌توان بیان کرد ۱۱/۲۷ درصد از کل صادرات ایران

در بخش کشاورزی به اتحادیه اقتصادی اوراسیا صادر می‌شود و ۰/۶۲ درصد از کل صادرات اتحادیه اقتصادی اوراسیا در بخش صنعت به کشور صادر می‌شود.

جدول ۲. صادرات و واردات بین ایران و اوراسیا (درصد)

بخش خدمات	بخش صنعت	بخش نفت و گاز	بخش کشاورزی		
۳/۲۴	۲/۱۷	۱/۳۷	۱۱/۲۷	صادرات ایران به اوراسیا	صادرات
۱/۲۵	۰/۶۲	۰/۰۰	۶/۶۰	صادرات اوراسیا به ایران	
۳/۴۵	۲/۵۸	۰/۵۸	۱۸/۹۹	واردات ایران از اوراسیا	واردات
۰/۷۳	۰/۱۳	۱/۸۷	۱/۵۸	واردات اوراسیا از ایران	

مأخذ: همان.

## ۲. ادبیات تحقیق

### ۲-۱. مبانی نظری

بررسی آثار اقتصادی موافقت‌نامه‌های آزاد تجاری<sup>۱</sup> اولین بار توسط واینر (Viner, 1950) با معرفی انحراف تجارت<sup>۲</sup> و ایجاد تجارت<sup>۳</sup> مطرح شد. وی اظهار داشت که موافقت‌نامه آزاد تجاری همیشه رفاه را تقویت نمی‌کند<sup>۴</sup> در سال‌های اخیر از رویکردهای مختلفی به منظور بررسی آثار همگرایی منطقه‌ای<sup>۵</sup> استفاده شده است. مطالعات اخیر نشان می‌دهند توافق‌نامه‌های تجاری به دلیل کاهش تعرفه، می‌توانند آثار تجاری مثبت داشته باشند. به عنوان مثال ونوکات (Wannacott, 1990) با مطرح کردن رویکرد «واسط متمرکز و

1. Free Trade Agreement (FTA)

2. Trade Diversion

3. Trade Creation

۴. الگوی واینر به طور کامل در اکثر کتاب‌های تجارت بین‌الملل ارائه شده است.

5. Regional Integration

تطبیق دهنده»<sup>۱</sup> نشان می‌دهد ارتباط متقابل بین شرکای تجاری افزایش یافته است. بالدوین (Baldwin, 1993) و بالدوین و جیموویچ (Baldwin and Jaimovich, 2012) در ارتباط با چگونگی ایجاد انگیزه در کشورهای غیرعضو برای عضویت در توافق‌نامه‌های تجاری، «اثر دومینو»<sup>۲</sup> را مطرح کردند. رایبسون و تیرفلدر (Robinson and Thierfelder, 2002) در مطالعات خود در ارتباط با تجزیه و تحلیل رفاه موافقت‌نامه‌های تجاری نشان دادند که پتانسیل افزایش رفاه در توافق‌نامه‌های تجاری در کشورهای عضو و سایر نقاط جهان وجود دارد. بنابراین در ادبیات موجود، شواهد زیادی درباره پیشنهاد «بلوک‌های سازنده»<sup>۳</sup> توافق‌نامه‌های تجاری و چگونگی این سنگ‌بناها برای آزادسازی تجارت چندجانبه در آینده وجود دارد. (Dent, 2003; Ethier, 1998; Khorana and Garcia, 2014; Summers, 1991).

در مقابل گروهی از اقتصاددانان نیز با مطرح کردن «بلوک بازدارنده»<sup>۴</sup> بیان می‌کنند تلاش کشورها برای آزادسازی تجاری چندجانبه کاهش می‌یابد (Panagariya, 1996, 2000; Srinivasan, 1998). در روشی مشابه، پاناگاریا و باگواتی (Panagariya and Bhagwati, 1996) با پیشنهاد رویکرد «اثر ظرف اسپاگتی»<sup>۵</sup> پیچیدگی و عدم شفافیت در سیستم تجارت جهانی را مطرح می‌کنند. توافق‌نامه‌های تجاری دسترسی به بازارها و شرایط بازی تجاری را بهبود می‌بخشند و زمینه به منظور مذاکرات سازمان تجارت جهانی<sup>۶</sup> مهیا می‌شود، هرچند برخی از اقتصاددانان در مورد مزایای موافقت‌نامه‌های آزاد تجاری بین اقتصاد بزرگ و اقتصادهای کوچک‌تر و توافقات محدود تردید دارند

- 
1. Hub and Spoke
  2. Domino Effect
  3. Building Blocks
  4. Stumbling Blocks
  5. Spaghetti Bowl
  6. World Trade Organization (WTO)

(Baldwin, 2006, 2008, 2011, 2013; Bhagwati and Panagariya, 1996; Bhagwati,) با اینکه (1998; Khorana and Garcia, 2013; Khorana and Perdakis, 2010; Viner, 1950) توافق نامه‌های تجاری به عنوان راهی برای ادغام منطقه‌ای پذیرفته شده است، کشورهای مذاکره‌کننده با این چالش روبه‌رو هستند که چگونه منافع خود را حداکثر و هزینه‌های خود را حداقل کنند (Ng and Yarcia, 2014). با توجه به اینکه FTAS از مناطق مختلف جغرافیایی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در حال افزایش است، تمرکز بر جغرافیا نیز می‌تواند مورد بحث باشد.

ادبیات موضوع نشان می‌دهد که نزدیکی جغرافیایی تعیین‌کننده سود و زیان کل است و وابستگی تجاری بالا و منطقه جغرافیایی همسان می‌تواند ریسک انحراف تجاری را کاهش دهد (Lipsey, 1957; Summers, 1991). نتایج مطالعه سرنات (Cernat, 2001) ولی و شین (Lee and Shin, 2006) در ارتباط با تأثیر جغرافیا بر موافقت‌نامه‌های تجاری بین کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته نشان می‌دهد که آثار جغرافیا بر موافقت‌نامه‌های تجاری می‌تواند غیرقطعی باشد. ایجاد تجارت ارتباط مستقیمی با عوامل اولیه تولید و اندازه اقتصادی شرکای تجاری دارد و توافق بین کشورهای با اندازه بازار متفاوت می‌تواند به طور بالقوه نابرابری‌ها را تقویت کند و منافع حاصل از موافقت‌نامه‌های آزاد تجاری به اندازه و سطح توسعه کشورهای شریک نیز بستگی دارد (Baier and Bergstrand, 2007). مگی (Magee, 2003) نیز از عدم تشابه اندازه و عدم تشابه مکان به عنوان «شرکای غیرطبیعی»<sup>۱</sup> یاد می‌کند که تأثیر منفی بر منافع کشورهای شریک دارد. در چارچوب فرضیه «شرکای تجاری طبیعی»<sup>۲</sup> کشورها پس از انعقاد قرارداد تجاری به احتمال زیاد رشد تجارت را تجربه می‌کنند (Frankel, Steinand and Wei, 1995, 1997).

---

1. Unnatural Partners

2. Natural Trade Partners



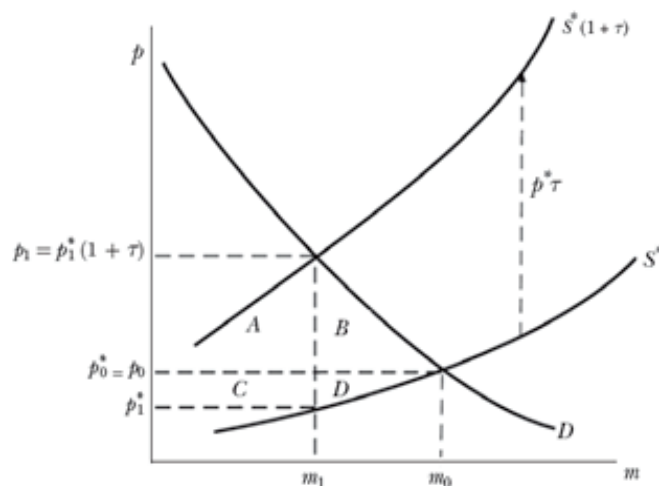
در نظریه «منطقه‌گرایی ذاتی»<sup>۱</sup> نیز به اهمیت هزینه‌های حمل‌ونقل بین کشورها پرداخته می‌شود که می‌تواند نقش مؤثری در موافقت‌نامه‌های تجاری داشته باشد (Ibid.). در برخی از مطالعات نیز به انتقال فناوری و بهبود بهره‌وری موافقت‌نامه‌های تجاری اشاره شده است (Grossman and Helpman, 1991; Keller, 1998; Coe and Hoffmaister, 1999). نتایج این مطالعات با نظریه دومینو بالدوین مطابقت دارد. این نظریه به افزایش ورود کشورهای غیر عضو به یک موافقت‌نامه تجاری منطقه‌ای و نیز افزایش موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای اشاره دارد (Baldwin, 1993). اقتصاددانان سیاسی نیز بر آثار سیاست داخلی کشورها بر عضویت در موافقت‌نامه‌های تجاری تمرکز دارند (Mansfield and Milner, 2012). در برخی از مطالعات نیز بر آثار تغییر در ائتلاف سیاسی داخلی بر موافقت‌نامه‌های تجاری اشاره شده است (Aggarwal and Lee, 2010; Ravenhill, 2003). ویکارد (Vicard, 2009) توجه خود را به این واقعیت معطوف می‌دارد که چنین موافقت‌نامه‌های تجاری نه تنها تجارت را تقویت می‌کنند؛ بلکه موجب تقویت ادغام سیاسی و نهادی نیز می‌شوند. در ادبیات جدید، از موافقت‌نامه‌های تجاری به عنوان اصلاحات اقتصادی داخلی و نیز به عنوان راهی برای کسب شناخت و پذیرش بین‌المللی یاد می‌شود (Aggarwal and Lee, 2010; Aggarwal and Urata, 2013). برخی از مطالعات نیز به جای بررسی آثار اقتصادی موافقت‌نامه‌های تجاری به سیاست مبتنی بر ترس از حذف ابتکارات منطقه‌ای و تقلید تأکید دارند (Solis, Stallings and Katada, 2009) و حتی به عنوان بازتابی از رقابت جغرافیایی بین کشورها دیده می‌شود (Garcia, 2012). عدم شفافیت در رژیم‌های تجاری و اقتصادی کشورهای مختلف نیز بر روند مذاکرات و موافقت‌نامه تجاری مؤثرند. در این باره می‌توان به مواردی همچون موانع غیرتعرفه‌ای، اقدامات اداری سفارشی، موانع فنی تجارت، قوانین مبدأ خدمات و همکاری‌های سرمایه‌گذاری اشاره کرد (Das, Edirisuriya and Swarup, 2012).

## ۲-۲. آثار اقتصادی تعرفه

به منظور بررسی اثر تغییر در تعرفه بر قیمت، رفاه و تجارت از یک الگوی تعادل جزئی استفاده شده است، در این الگو تقاضای واردات و عرضه صادرات در یک بازار کاملاً رقابتی در نظر گرفته می‌شود. در نمودار ۱ محور افقی مقدار واردات داخلی ( $m$ ) و محور عمودی نیز قیمت‌های واردات ( $P$ ) و قیمت‌های صادرکننده خارجی ( $P^*$ ) را نشان می‌دهد. منحنی عرضه صادرات خارجی ( $S^*$ ) با افزایش قیمت‌ها افزایش می‌یابد و نشان‌دهنده این واقعیت است که قیمت‌های بالاتر، تولیدکنندگان خارجی را به افزایش تولید و مصرف‌کنندگان خارجی را به کاهش مصرف ترغیب می‌کند. برعکس تقاضای واردات داخلی ( $D$ ) با افزایش قیمت‌ها کاهش می‌یابد. این امر نشان‌دهنده این واقعیت است که قیمت‌های بالاتر تقاضای مصرف‌کنندگان داخلی را کاهش و تولید بنگاه‌های داخلی را افزایش می‌دهد. در صورت نبود تعرفه‌ها، بازارها در قیمت تعادلی ( $P_0 = P_0^*$ ) تسویه می‌شوند و تقاضای واردات و عرضه صادرات در مقدار ( $m_0$ ) با هم برابر می‌شوند. در این چارچوب با اعمال تعرفه بر واردات به میزان  $\tau$ ، هزینه کالای وارداتی در بازار داخلی از  $P^*$  به  $p^*(1 + \tau)$  افزایش می‌یابد. با افزایش قیمت‌ها مصرف‌کنندگان داخلی تقاضای داخلی را به  $m_1$  کاهش می‌دهند. در این سطح واردات، شکافی بین قیمت تولیدکنندگان خارجی ( $P^*$ ) و قیمت پرداخت شده توسط مصرف‌کنندگان داخلی ( $P_1$ ) وجود دارد که برابر تعرفه واحد جمع‌آوری شده ( $p_1^* \tau$ ) است. رفاه مصرف‌کنندگان داخلی به میزان  $A + B$  کاهش می‌یابد. مقدار  $A$  بیانگر قیمت‌های بالاتر پرداخت شده برای واردات و مقدار  $B$  نیز بیانگر رفاه از دست رفته یا کاهش درآمد واقعی است. مقدار درآمد تعرفه‌ای دولت نیز برابر  $C + A$  است. از آنجاکه مقدار  $A$  از مصرف‌کننده به دولت منتقل می‌شود، رفاه خالص کشور به مقدار  $C - B$  بستگی دارد. مقدار  $B$  بستگی به رابطه مبادله و مقدار  $C$  نیز زیان از دست رفته را نشان می‌دهد. رفاه تولیدکننده خارجی به میزان  $C + D$  کاهش

می‌یابد، مقدار  $C$  از تولیدکننده خارجی به دولت منتقل می‌شود و مقدار  $D$  نیز زیان از دست رفته تولیدکننده خارجی را نشان می‌دهد. با تغییرات صادرات و واردات مقدار تراز پرداخت‌ها نیز می‌تواند تغییر کند. موارد ذکر شده برای حالت کاهش تعرفه نیز به راحتی قابل تعمیم است. در مجموع کوچک یا بزرگ بودن کشور صادرکننده و واردکننده و نیز کشش منحنی‌های عرضه و تقاضا می‌تواند بر تحلیل ارائه شده مؤثر باشد. امروزه با توجه به پیچیدگی روابط اقتصادی و نیز حجم تعرفه‌های متفاوت در بخش‌ها و گروه‌های مختلف کالایی بین کشورهای مختلف و با پیشرفت روزافزون بسته‌های نرم‌افزاری، از الگوهای تعادل عمومی به منظور بررسی دقیق‌تر موضوع استفاده می‌شود.

#### نمودار ۱. آثار اقتصادی تعرفه



Source: Amity et al., 2019:190.

### ۲-۳. مروری بر مطالعات پیشین

به طور کلی روش های بررسی آثار ناشی از تغییر در سیاست های تجاری به دو دسته مطالعات پیشینی<sup>۱</sup> و مطالعات پسینی<sup>۲</sup> تقسیم می شود. از مطالعات پیشینی به منظور پیش بینی آثار بالقوه و از مطالعات پسینی برای آثار بالفعل ناشی از سیاست های تجاری استفاده می شود (مردیها و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۴۰). امروزه به منظور انجام تحلیل های پسینی موافقت نامه ها از الگوی جاذبه<sup>۳</sup> و به منظور بررسی تحلیل های پیشینی موافقت نامه ها از الگوهای تعادل عمومی و تعادل جزئی استفاده می شود. در پژوهش حاضر از یک الگوی تعادل عمومی استفاده شده است.

خان و همکاران (Khan, Zada and Mukhopadhyay, 2018) در پژوهشی به بررسی آثار رفاهی توافق نامه تجارت آزاد پاکستان و مالزی پرداختند. به منظور تحلیل کمی نتایج از الگوی استاندارد پروژه تحلیل تجارت جهانی و نسخه ۹ پایگاه داده های آن استفاده شده است. نتایج این پژوهش حاکی از افزایش رفاه طرفین دارد.

نیوگرینی و ویدودو (Nugraheni and Widodo, 2018) در پژوهشی به بررسی آثار موافقت نامه آزاد تجاری آسه آن با چین، ژاپن، کره و استرالیا، آسه آن - ژاپن و آسه آن - استرالیا - نیوزلند پرداختند. در این پژوهش از الگوی استاندارد پروژه تحلیل تجارت جهانی و نسخه ۹ پایگاه داده های آن استفاده شده است. نتایج پژوهش آنها نشان می دهد که در بلندمدت رفاه هر منطقه افزایش یافته، تراز تجاری کاهش یافته و حجم صادرات و واردات نیز افزایش یافته است. چی و ژانگ (Qi and Zhang, 2018) با بهره گیری از یک الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه چندمنطقه ای به بررسی آثار آزادسازی تجاری چین و استرالیا پرداخته اند. نتایج این مطالعه حاکی از تأثیر مثبت آزادسازی تجاری بر متغیرهای نرخ رشد

1. Ex-ante Studies

2. Ex-post Studies

3. Gravity Model

تولید ناخالص داخلی، صادرات، قیمت عوامل تولید و رفاه اقتصادی است. در مطالعه تنگاولو (Thangavelu, 2019) به منظور بررسی آثار اقتصادی (تجارت، سرمایه‌گذاری، رفاه و رشد اقتصادی داخلی و منطقه‌ای) توافق نامه آزاد تجاری بین کامبوج و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و نیز منطقه آسه آن (اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا)<sup>۱</sup> از نسخه ۹ پروژۀ تحلیل تجارت جهانی استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که توافق نامه آزاد تجاری اثری منفی بر بخش الکترونیک کامبوج دارد.

در مطالعه کوینتانارومر و همکاران (Quintana-Romero et al., 2020) به بررسی آثار توافق نامه تجارت آزاد جدید بین مکزیک و کره جنوبی پرداخته شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد فرضیه مکمل تجاری و امکان دستیابی به تعادل بلندمدت در بخش خارجی امکان پذیر است. در مطالعه فرسای، قاسمی و نوازی (۱۳۹۸) به منظور بررسی فرصت‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در همگرایی با اتحادیه اقتصادی اوراسیا از روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که همگرایی مقدماتی ایران با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیایی ضمن کاهش فشار تحریمی غرب، بسترهای لازم برای توسعه اقتصادی و تجارت خارجی و بهره‌مندی از ظرفیت‌های اقتصادی اتحادیه نیز فراهم می‌شود. در مطالعه عسگری (۱۳۹۸) به بررسی عوامل مؤثر بر صادرات ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا پرداخته شده است. در این مطالعه از الگوی جاذبه و با رهیافت داده‌های پانلی طی دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۷ استفاده شده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که متغیرهای اندازه تولید ناخالص داخلی، مشابهت اقتصادی، تفاوت بین درآمد صادرکننده و واردکننده و نرخ واقعی ارز بر افزایش صادرات ایران مؤثر بوده است.

در مطالعه مهکویی و گودرزی (۱۳۹۸) به منظور بررسی آثار عضویت ایران به اتحادیه

---

1. Association of Southeast Asian Nations (ASEAN)

اقتصادی اوراسیا بر موقعیت ژئواکونومیک ایران از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که همجواری ایران با کشورهای عضو اتحادیه و با عضویت ایران در این اتحادیه اقتصادی اوراسیا، موقعیت ژئواکونومیک ایران بیشتر متأثر خواهد شد. در این پژوهش به منظور بررسی سیاست و تأثیر منطقه‌گرایی بر موقعیت ژئواکونومیک ایران از نظریه‌ها و رویکردهای ژئواکونومیک و همگرایی اقتصادمحور استفاده شده است.

در مطالعه طباطبایی و همکاران (۱۳۹۹) به منظور ارزیابی همگرایی اقتصادی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای از روش توصیفی - تحلیلی و کاربردی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که ایران به ترتیب با کشورهای چین، روسیه، هند و پاکستان بیشترین پتانسیل‌های تجاری را داراست و در این بین میزان واردات کالا از کشورهای چین و هند بسیار بیشتر از سایر کشورهای منطقه و حتی کشورهای جهان است. الهی و همکاران (۱۳۹۹) با بهره‌گیری از الگوی جاذبه به بررسی آثار بالقوه موافقت‌نامه تجاری بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر بخش‌های صادراتی صنعت و کشاورزی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای میانگین تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثری مثبت و متغیرهای نرخ تعرفه و نرخ ارز اثری منفی بر صادرات بخش کشاورزی و صنعت ایران به کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارد و حذف تعرفه تجاری بین ایران و اوراسیا می‌تواند بخش‌های مختلف اقتصادی ایران را منتفع کند و این منفعت زمانی بیشتر می‌شود که تعرفه بخش صنعت و کشاورزی حذف شود.

در مطالعه خازنی و حکمت‌آرا (۱۳۹۹)، فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از عضویت یا همکاری ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا بررسی شده است. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که همگرایی و همکاری ایران با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا، یک مزیت بسیار مهم و مفید برای این کشور خواهد داشت و آن جلوگیری از انزوای بین‌المللی است. در مجموع اکثر مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که شرایط اولیه کشورها، حجم تجارت آنان، فاصله

جغرافیایی، نرخ‌های تعرفه و ... می‌تواند در میزان اثرگذاری موافقت‌نامه‌های تجاری مؤثر باشد. با توجه به نرخ‌های تعرفه متفاوت در بخش‌های مختلف اقتصادی بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و نیز متفاوت بودن سایر شرایط اولیه، لازم است در هر مورد آثار الحاق یک بخش خاص و آثار الحاق همه بخش‌ها مورد بررسی قرار گیرد و نقاط ضعف و قوت هر بخش شناسایی و در متن توافق‌نامه اعمال شود. با توجه به اهمیت موضوع در این پژوهش آثار اقتصادی (رفاه و تراز تجاری) الحاق ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا در بخش‌های مختلف اقتصادی و نیز آثار کاهش تعرفه یک بخش بر سایر بخش‌ها و مناطق بررسی شده و دستاورد مهم پژوهش حاضر است.

### ۳. روش‌شناسی و داده‌ها

#### ۳-۱. الگوی پروژه تحلیل تجارت جهانی

در این پژوهش، تحلیل تجربی و کمی‌سازی نتایج براساس الگوی پروژه تحلیل تجارت جهانی انجام شده است. این الگو از نوع الگوهای تعادل عمومی قابل محاسبه<sup>۲</sup> است. طراحان این الگو؛ پایگاه داده، نرم‌افزارهای مرتبط با حل الگو (RunGTAP و GEMPACK) و سایر مستندات لازم را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. گفتنی است الگوی پروژه تحلیل تجارت جهانی به منظور تحلیل تجارت بین‌الملل طراحی شده است. با توجه به دارا بودن ویژگی منبع - باز<sup>۳</sup> و<sup>۴</sup> می‌توان الگو را به‌طور خاص با اهداف پژوهش تطبیق داد. در طول سال‌های متمادی نسخه‌های مختلفی از این الگو ایجاد و منتشر شده که

- 
1. Global Trade Analysis Project
  2. Computable General Equilibrium (CGE)
  3. Open-source

۴. نرم‌افزار متن باز یا منبع باز به نرم‌افزاری اطلاق می‌شود که کد منبع (Source Code) آن توسط هر کسی قابل بازیابی، بررسی، ویرایش و توسعه است. یعنی برنامه‌نویسان رایانه می‌توانند با دستکاری و ایجاد تغییر در بخشی از نرم‌افزار یا برنامه، عملکرد آن را تغییر دهند. برنامه‌نویسان رایانه که به کد منبع نرم‌افزار دسترسی دارند، می‌توانند اشکالات آن را رفع و با ویژگی‌های جدیدی نیز به آن اضافه کنند تا عملکرد بهتری داشته باشد.

دامنه کاربرد آن نیز گسترده تر شده است. در این پژوهش از نسخه ۱۰ پایگاه داده پروژه تحلیل تجارت جهانی (بروز شده در سال ۲۰۲۰) استفاده شده است. این داده‌ها شامل ماتریس حسابداری اجتماعی<sup>۱</sup> ۱۴۱ کشور (یا همان منطقه) و ۶۵ بخش است. داده‌های این ماتریس براساس اهداف پژوهش به بخش‌ها و مناطق خاص تجمیع می‌شوند که برای این منظور از نرم‌افزار GTAPAGG استفاده شده است. به منظور پردازش داده‌ها در نرم‌افزار GEMPACK براساس اهداف پژوهش، بستار الگو و تکانه سیاستی (کاهش تعرفه‌های دوجانبه در بخش‌های مختلف صنعت بین ایران و اوراسیا) متناسب منظور شده است. در خروجی الگو نیز مقادیر تغییر متغیرهای مختلف و تجزیه آنها قابل مشاهده است. ماتریس حسابداری اجتماعی، معادلات و پارامترهای رفتاری از پایگاه داده قابل استخراج است. در شکل ۱ ساختار گرافیکی الگوی پروژه تحلیل تجارت جهانی ارائه شده است، خانوار منطقه‌ای (Regional Household) هسته اصلی الگو را تشکیل می‌دهد که تمام درآمد را جمع‌آوری می‌کند و آن را از طریق تابع مطلوبیت کاب - داگلاس<sup>۲</sup> توزیع می‌کند. در یک اقتصاد بسته و بدون مالیات، تنها منبع درآمد خانوار منطقه‌ای، درآمد حاصل از فروش عوامل اولیه تولید به قیمت عوامل ((VOA(endow)) است و بیانگر ارزش تمام کالاهایی است که در اقتصاد تولید می‌شوند. برای تولید کالاها از نهاده‌های واسطه‌ای نیز استفاده می‌شود که در شکل با VDFA (ارزش کالاهای فروخته شده توسط بنگاه‌ها به سایر بنگاه‌ها به قیمت عوامل) بیان شده است. بنگاه‌های تولیدی (Producer) به منظور خرید عوامل اولیه تولید و نهاده‌های واسطه‌ای از سه منبع درآمدی استفاده می‌کنند، از یک طرف خانوارهای خصوصی (Private Household) و دولت (Government) از بنگاه‌ها کالا خریداری می‌کنند، این دو مورد در شکل با VDPA (ارزش کالاهای داخلی خریداری شده توسط خانوار خصوصی به قیمت عوامل)

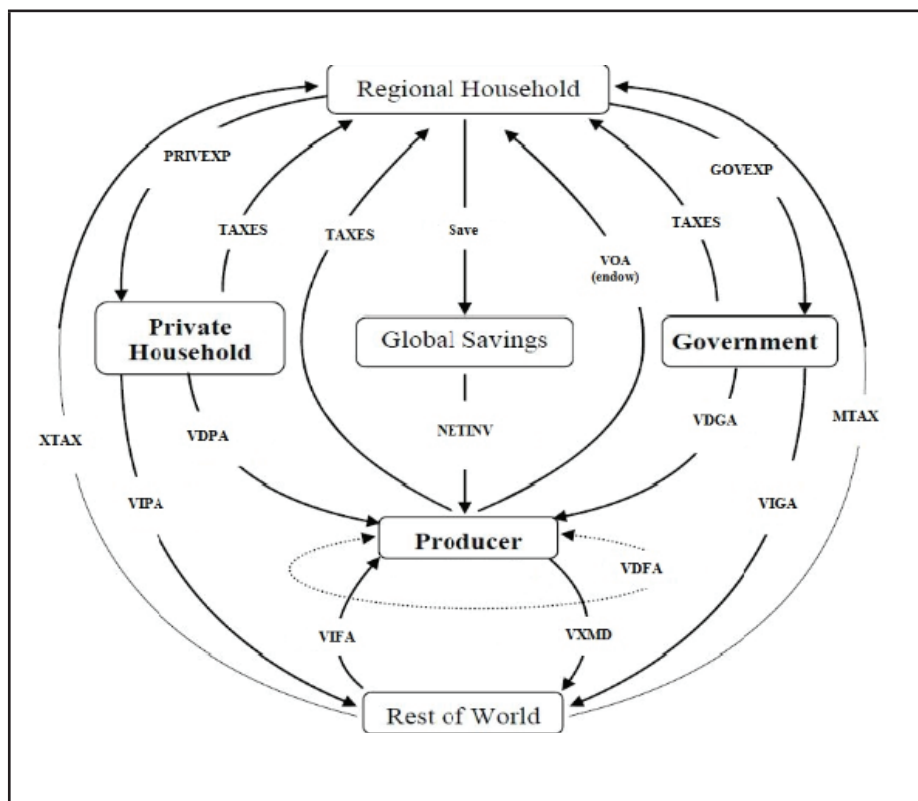
1. Social Accounting Matrix (SAM)

2. Cobb-Douglas



و VDGA (ارزش کالاهای داخلی خریداری شده توسط دولت به قیمت عوامل) نشان داده شده است. قبل از این به خانوارهای خصوصی و دولت نسبت خاصی از درآمد منطقه‌ای اختصاص داده شده است که به ترتیب با PRIVEXP (مخارج خانوار منطقه‌ای که به خانوار خصوصی به عنوان درآمد تخصیص می‌یابد) و GOVEXP (مخارج خانوار منطقه‌ای که به دولت به عنوان درآمد تخصیص می‌یابد) بیان شده است. سومین منبع درآمد بنگاه‌ها، سرمایه‌گذاری (NETINV) است. این میزان با نرخ پس‌انداز تعیین شده توسط عملکرد خانوار منطقه‌ای تعیین می‌شود و سپس از طریق بانک (Global Savings) به تولیدکنندگان منتقل می‌شود. برای تکمیل این چرخه در اقتصاد بسته بدون مالیات، فرض بر این است که پس‌انداز با سرمایه‌گذاری برابر هستند. در اقتصاد باز، خانوارهای خصوصی، دولت و تولیدکنندگان می‌توانند با بقیه جهان تعامل داشته باشند. بنابراین خانوارهای خصوصی و دولت‌ها می‌توانند کالاهایی را وارد کنند. ارزش کالاهای وارداتی خریداری شده توسط خانوار خصوصی به قیمت عوامل و ارزش کالاهای وارداتی خریداری شده توسط دولت به قیمت عوامل به ترتیب با VIPA و VIGA در شکل نشان داده شده است. تولیدکنندگان می‌توانند با سایر مناطق دنیا (Rest of World) نیز تعامل داشته باشند و نهاده‌های واسطه‌ای خارجی (VIFA) را جایگزین نهاده‌های واسطه‌ای داخلی (VDFA) کنند. در شکل ارزش نهاده‌های واسطه‌ای وارداتی توسط بنگاه‌ها با VDFA نشان داده شده است. با این حال بنگاه‌ها همچنین می‌توانند کالاهای خود را به سایر نقاط دنیا صادر کنند. در شکل ارزش کل کالاهای صادر شده توسط بنگاه‌ها با VXMD نشان داده شده است.

شکل ۱. اقتصاد باز چندمنطقه‌ای پروژه تحلیل تجارت جهانی



Source: Brokmeier, 2001: 10.

وضع مالیات منجر به تحریف قیمت‌ها می‌شود و لازم است در محاسبات به جای قیمت عوامل از قیمت بازاری استفاده شود. دامنه مالیات‌های قابل اعمال بسیار گسترده است، خانوار منطقه‌ای همه مالیات‌ها را (انواع مالیات‌های دریافتی از خانوار خصوصی، دولت و بنگاه‌ها (TAXES)، مالیات بر کالاهای وارداتی (MTAX) و مالیات بر کالاهای صادراتی (XTAX) دریافت می‌کند که مجدداً از طریق یک تابع کاب داگلاس توزیع می‌شوند. در نهایت، با در نظر گرفتن این چرخه و روابط حسابداری بین آن‌ها می‌توان یک الگوی تعادل عمومی را طراحی کرد، مقادیر کمی روابط حسابداری از طریق ماتریس

حسابداری اجتماعی ارائه شده در پایگاه داده پروژه تحلیل تجارت جهانی قابل محاسبه است. الگوی تعادل عمومی در محیطی که در آن همه بازارها تسویه می‌شوند، طراحی می‌شود. بستار کلان الگوی ارائه شده در این پژوهش یک الگوی پس‌اندازمحور است و در آن کل سرمایه‌گذاری بستگی به مجموع پس‌اندازهای الگو دارد. با توجه به تعداد زیاد روابط و معادلات الگوی پروژه تحلیل تجارت جهانی، ارائه کامل معادلات الگو فراتر از یک مقاله بوده و از حوصله بحث خارج است و برای مطالعه بیشتر پیشنهاد می‌شود به هرتل و تسیگاس (Hertel and Tsigas, 1997)، رادرفورد (Rutherford, 1998)، بورفیشر (Burfisher, 2021) و فایل Gtap.tab یا TABmate از بسته نرم‌افزاری RunGTAP و GEMPACK مراجعه شود. در ادامه فقط معادلات مرتبط با رفاه جامعه و تراز تجاری آورده شده است. در پژوهش حاضر تغییر سیاست تجاری (کاهش تعرفه دوجانبه واردات برای کالای خاص از هر کشور) به مجموعه جدیدی از قیمت‌های جهانی و داخلی منجر خواهد شد، این سیاست به طور مستقیم تراز تجاری مناطق مختلف را تغییر می‌دهد. از این رو در چارچوب الگوی تعادل عمومی، سایر بخش‌ها نیز تحت تأثیر چنین تغییراتی قرار خواهند گرفت. در الگوی پروژه تحلیل تجارت جهانی، رفاه اقتصادی (تغییرات معادل خانوار منطقه‌ای) ناشی از تکانه سیاستی، از تخصیص درآمد ملی بین مصرف خصوصی و دولتی و پس‌انداز استخراج می‌شود. تغییرات معادل (EV)، از تفاوت بین مخارج مورد نیاز برای به دست آوردن سطح مطلوبیت جدید در قیمت‌های اولیه و مخارج اولیه به دست می‌آید. تغییرات معادل یا EV از مسئله حداقل‌سازی مخارج<sup>۲</sup> و طبق روابط زیر محاسبه می‌شود:

$$UU_r^0 = \prod_i (X_{i,r}^{p^0})^{\alpha_{i,r}}$$

$$ep(p^q, UU) = \min_{XP} \{P^q \cdot PUU(X^p) = UU\}$$

$$EV = ep(p^q, UU^1) - ep(p^q, UU^0)$$

1. Savings-Driven Model

2. Expenditure Minimization Problem

که در آن  $UU^0$  و  $UU^1$  به ترتیب مطلوبیت خانوار منطقه‌ای قبل و بعد از اعمال تکانه سیاستی،  $X_{i,r}^P$  مصرف کالای  $i$  در منطقه  $r$ ،  $\alpha_{i,r}$  سهم پارامترها در تابع مطلوبیت و  $P^q$  قیمت کالاهاست.

### ۲-۳. پایگاه داده و تجمیع بخش‌ها، منطقه‌ها و داده‌ها

الگوی پروژه تحلیل تجارت جهانی مورد استفاده در این پژوهش از ویژگی‌هایی همچون فرض رقابت کامل، بازدهی ثابت نسبت به مقیاس و ماکزیمم‌سازی سود و مطلوبیت توسط بنگاه و خانوار برخوردار است. به منظور بررسی آثار حذف تعرفه تجاری ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در بخش‌های مختلف اقتصادی از چهار سناریو استفاده شده که عبارتند از:

**سناریوی اول:** کاهش ۲۵ درصدی نرخ تعرفه دوجانبه ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در بخش‌های مختلف اقتصادی،

**سناریوی دوم:** کاهش ۵۰ درصدی نرخ تعرفه دوجانبه ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در بخش‌های مختلف اقتصادی،

**سناریوی سوم:** کاهش ۷۵ درصدی نرخ تعرفه دوجانبه ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در بخش‌های مختلف اقتصادی،

**سناریوی چهارم:** کاهش ۱۰۰ درصدی نرخ تعرفه دوجانبه ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در بخش‌های مختلف اقتصادی.

داده‌ها شامل ماتریس حسابداری اجتماعی ۱۴۱ کشور (یا همان منطقه) و ۶۵ بخش، در سال ۲۰۱۴ است و براساس هدف تحقیق به بخش‌ها و مناطق خاص تجمیع می‌شوند. برای این منظور همراه با پایگاه داده‌های پروژه تحلیل تجارت جهانی نرم‌افزار GTAPagg ضمیمه شده که کاربرد آن تجمیع داده‌ها جهت استفاده در الگوهای تعادل عمومی منطقه‌ای است. داده‌ها در قالب چهار بخش (۱. کشاورزی، جنگل‌داری و ماهیگیری،

۲. نفت، گاز، زغال سنگ و مواد معدنی، ۳. صنعت و ۴. خدمات) و پنج عامل تولیدی (نیروی کار ماهر، نیروی کار غیرماهر، منابع طبیعی، زمین و سرمایه) و سه منطقه (ایران، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سایر کشورها) تجمیع شده است. با تغییر نرخ تعرفه، قیمت کالاهای صادراتی و وارداتی به طور سیستماتیک تغییر و قیمت های داخلی، حجم واردات، حجم صادرات و تولید نیز تغییر می کنند. تغییرات تولید نیز می تواند بر رفاه کشورها اثرگذار باشد و این چرخه تا تسویه کامل بازارها ادامه دارد.

#### ۴. بحث و نتایج

با تغییرات نرخ تعرفه، هزینه تمام شده یک کالا در مناطق مختلف (ایران، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بقیه دنیا) تغییر می کند. با تغییر نرخ های تعرفه در بخش های مختلف اقتصادی، جریان های تجاری جدیدی در مناطق مختلف و نیز در بخش های مختلف اقتصادی ایجاد می شود. این تغییرات منجر به تغییر در سطح رفاه و نیز تغییر در تراز تجاری بخش های مختلف در مناطق مختلف می شود. در ادامه هر یک از موارد ذکر شده به صورت جداگانه و در سناریوهای مختلف تحلیل می شود.

#### ۴-۱. آثار رفاهی کاهش تعرفه در بخش های مختلف اقتصادی

در جدول ۳ آثار رفاهی کاهش تعرفه به تفکیک بخش های مختلف اقتصادی و نیز کاهش همزمان تعرفه همه بخش ها در سناریوهای مختلف آورده شده است.

جدول ۳. آثار رفاهی کاهش تعرفه در بخش‌های مختلف اقتصادی (میلیون دلار)

بخش‌ها / مناطق / سناریوها	سناریوی اول	سناریوی دوم	سناریوی سوم	سناریوی چهارم
کاهش تعرفه بخش کشاورزی	ایران	۲۴/۴۰	۴۸/۸۳	۷۳/۲۳
	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۱۴/۷۷	۲۹/۵۷	۴۴/۳۵
	سایر مناطق	-۱۴/۹۳	-۲۹/۸۸	-۴۴/۸۱
کاهش تعرفه بخش نفت و گاز	ایران	-۰/۰۵	-۰/۱۱	-۰/۱۶
	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۰/۰۷	۰/۱۴	۰/۲۱
	سایر مناطق	-۰/۰۲	-۰/۰۴	-۰/۰۶
کاهش تعرفه بخش صنعت	ایران	-۱۶/۶۲	-۳۳/۴۷	-۵۰/۰۹
	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۱۰/۵۰	۲۱/۰۷	۳۱/۵۷
	سایر مناطق	-۲۰/۹۲	-۴۱/۹۱	-۶۲/۸۳
کاهش تعرفه بخش خدمات	ایران	-۰/۰۷	-۰/۱۴	-۰/۲۱
	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۰/۱۰	۰/۲۰	۰/۳۰
	سایر مناطق	-۰/۰۸	-۰/۱۷	-۰/۲۵
کاهش تعرفه همه بخش‌ها	ایران	۷/۶۶	۱۵/۱۱	۲۲/۷۷
	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۲۵/۴۵	۵۰/۹۸	۷۶/۴۳
	سایر مناطق	-۳۵/۹۶	-۷۲/۰۰	-۱۰۷/۹۵

مأخذ: همان.

به منظور بررسی دقیق تر رفاه، در جدول ۴ تجزیه رفاه نیز در سناریوی دوم ارائه شده است. در این جدول، سهم کارایی تخصیص منابع، رابطه مبادله و رابطه پس انداز - سرمایه گذاری در میزان تغییر رفاه به صورت جداگانه اندازه گیری شده است. کارایی تخصیص منابع، تخصیص مجدد منابع از یک بخش به بخش دیگر را در یک منطقه خاص نشان می دهد. تخصیص مجدد و کارای منابع منجر به افزایش رفاه و تخصیص مجدد و ناکارای منابع منجر به کاهش رفاه می شود. رابطه مبادله، نسبت قیمت صادرات یک کشور را به قیمت واردات آن کشور، یا قدرت خرید واردات یک کشور توسط صادرات همان کشور را اندازه گیری می کند. عایدی رابطه مبادله برای واردکننده یک زیان قدرت خرید است که کشور صادرکننده آن را متحمل می شود. در مدل تعادل عمومی چند منطقه ای، اثر رابطه مبادله، نقش مهمی در تغییر رفاه اقتصادی یک منطقه خاص ایفا می کند، این اثر به دلیل تغییرات در قیمت صادراتی فوب در مقایسه با شاخص قیمت تجارت جهانی از طرف صادرکننده و واردکننده رخ می دهد. تغییرات در قیمت کالاها و خدمات ارائه شده به بخش حمل و نقل بین المللی نیز در محاسبه اثر رابطه مبادله نقش دارند. بهبود رابطه مبادله منجر به افزایش رفاه و بدتر شدن رابطه مبادله منجر به کاهش رفاه می شود. در اثر پس انداز - سرمایه گذاری، تغییر در قیمت پس انداز و سرمایه گذاری با هم مقایسه شده است.

جدول ۴. تجزیه رفاه در سناریوی دوم (میلیون دلار)

بخش‌ها / مناطق / تجزیه رفاه	رفاه کل	تخصیص منابع	رابطه مبادله	پس انداز - سرمایه‌گذاری
ایران	۴۸/۸۳	۶۴/۳۸	-۱۹/۰۸	۳/۵۲
اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۲۹/۵۷	-۱۷/۹۱	۵۶/۸۵	-۹/۳۷
سایر مناطق	-۲۹/۸۸	۲/۰۴	-۳۷/۷۷	۵/۸۵
ایران	-۰/۱۱	-۰/۰۷	-۰/۰۱	۰/۰۰
اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۰/۱۴	۰/۰۹	۰/۰۵	-۰/۰۱
سایر مناطق	-۰/۰۴	۰	-۰/۰۴	۰/۰۱
ایران	-۳۳/۴۷	-۳۰/۱۲	-۵/۸۵	۲/۵۴
اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۲۱/۰۷	-۱۰/۳۸	۴۱/۸۹	-۱۰/۴۷
سایر مناطق	-۴۱/۹۱	-۱۳/۷۳	-۳۶/۰۸	۷/۹۳
ایران	-۰/۱۴	-۰/۱۵	-۰/۳۷	۰/۰۸
اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۰/۲۰	-۰/۲۲	۰/۷۳	-۰/۳۱
سایر مناطق	-۰/۱۷	-۰/۰۳	-۰/۳۶	۰/۲۳
ایران	۱۵/۱۱	۳۴/۳۴	-۲۵/۲۷	۶/۱۴
اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۵۰/۹۸	-۲۸/۴۲	۹۹/۵۳	-۲۰/۱۶
سایر مناطق	-۷۲/۰۰	-۱۱/۷۲	-۷۴/۲۶	۱۴/۰۳

مأخذ: همان.

نتایج جدول ۳ که از خروجی نرم افزار GEMPACK استخراج شده است، نشان می‌دهد کاهش تعرفه‌های بخش نفت و گاز و بخش خدمات تأثیر چندانی بر رفاه مناطق مختلف در سناریوهای مختلف ندارد. با توجه به پایین بودن نرخ تعرفه در این دو بخش با تغییرات نرخ تعرفه، تغییرات چندانی در جریان‌های تجاری ایجاد نمی‌شود و رفاه نیز چندان تغییر نمی‌کند. کاهش تعرفه‌های بخش کشاورزی تأثیر مثبتی بر رفاه ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارد. هر چه درجه آزادسازی تجاری بیشتر باشد رفاه نیز افزایش می‌یابد. کاهش



تعرفه‌های بخش کشاورزی تأثیر منفی بر رفاه سایر مناطق دنیا دارد. هر چه درجه آزادسازی تجاری بیشتر باشد کاهش رفاه نیز بیشتر می‌شود. با توجه به بالا بودن نرخ تعرفه در این بخش، با تغییرات نرخ تعرفه، جریان‌های تجاری جدید ایجاد می‌شود و رفاه نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد، حجم تجارت اولیه نیز در رفاه مؤثر بوده است. کاهش تعرفه‌های بخش کشاورزی تأثیر مثبت بر رفاه ایران دارد، طبق نتایج جدول ۴ تخصیص مجدد و کارایی منابع منجر به افزایش رفاه و بدتر شدن رابطه مبادله نیز منجر به کاهش رفاه شده است، با توجه به بیشتر بودن اثر تخصیص مجدد و کارایی منابع نسبت به بدتر شدن رابطه مبادله، در نهایت رفاه ایران افزایش یافته است. با کاهش نرخ تعرفه بخش کشاورزی، تخصیص مجدد منابع شکل می‌گیرد، با کاهش نرخ تعرفه دوجانبه بخش کشاورزی، واردات ایران بیشتر شده است و نشان می‌دهد که برخی از محصولات بخش کشاورزی توان رقابت با اتحادیه اقتصادی اوراسیا ندارند، با واردات بیشتر محصولات کشاورزی، منابع ناکارایی اختصاص یافته به این بخش به سایر بخش‌ها منتقل می‌شوند و منجر به افزایش رفاه ایران می‌شود. کاهش تعرفه‌های بخش کشاورزی تأثیر مثبت بر رفاه اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارد، تخصیص مجدد و ناکارایی منابع منجر به کاهش رفاه و بهتر شدن رابطه مبادله نیز منجر به افزایش رفاه شده است، با توجه به کمتر بودن اثر تخصیص مجدد و ناکارایی منابع نسبت به بهتر شدن رابطه مبادله، در نهایت رفاه اتحادیه اقتصادی اوراسیا افزایش یافته است. با صادرات بیشتر محصولات کشاورزی منابع کارآی سایر بخش‌ها به این بخش منتقل و باعث کاهش رفاه ناشی از تخصیص مجدد و ناکارایی منابع شده است. کاهش تعرفه‌های بخش کشاورزی تأثیر منفی بر رفاه سایر مناطق دنیا دارد، تخصیص مجدد و کارایی منابع منجر به افزایش رفاه و بدتر شدن رابطه مبادله نیز منجر به کاهش رفاه شده است، با توجه به کمتر بودن اثر تخصیص مجدد و کارایی منابع نسبت به بدتر شدن رابطه مبادله، در نهایت رفاه سایر مناطق دنیا کاهش یافته است.

کاهش تعرفه‌های بخش صنعت تأثیر منفی بر رفاه ایران دارد، کاهش رفاه ایران در این حالت می‌تواند ناشی از بدتر شدن رابطه مبادله و تخصیص ناکارای منابع باشد. کاهش تعرفه‌های بخش صنعت تأثیر مثبت بر رفاه اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارد، تخصیص مجدد و ناکارای منابع منجر به کاهش رفاه و بهتر شدن رابطه مبادله نیز منجر به افزایش رفاه شده است، با توجه به کمتر بودن اثر تخصیص مجدد و ناکارای منابع نسبت به بهتر شدن رابطه مبادله، در نهایت رفاه اتحادیه اقتصادی اوراسیا افزایش یافته است. کاهش تعرفه‌های بخش صنعت تأثیر منفی بر رفاه سایر مناطق دنیا دارد، کاهش رفاه این مناطق می‌تواند ناشی از بدتر شدن رابطه مبادله و تخصیص مجدد و ناکارای منابع باشد. کاهش همزمان تعرفه در همه بخش‌ها، تأثیر مثبتی بر رفاه ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارد و هر چه درجه آزاد سازی تجاری بیشتر باشد رفاه نیز افزایش می‌یابد، قابل ذکر است که رفاه بقیه کشورهای دنیا در این حالت کاهش می‌یابد و نیز بیشترین رفاه عاید اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌شود. کاهش همزمان تعرفه در همه بخش‌ها، تأثیر مثبت بر رفاه ایران دارد، تخصیص مجدد و کارای منابع منجر به افزایش رفاه و بدتر شدن رابطه مبادله نیز منجر به کاهش رفاه شده است، با توجه به بیشتر بودن اثر تخصیص مجدد و کارای منابع نسبت به بدتر شدن رابطه مبادله، در نهایت رفاه ایران افزایش یافته است.

#### ۲-۴. آثار کاهش تعرفه بخش کشاورزی بر تراز تجاری بخش‌ها و مناطق مختلف

در جدول ۵ آثار کاهش تعرفه‌های بخش کشاورزی بر تراز تجاری بخش‌ها (کشاورزی، نفت و گاز، صنعت و خدمات) و مناطق مختلف (ایران، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سایر مناطق) در سناریوهای مختلف ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که کاهش تعرفه‌های بخش کشاورزی تأثیر مثبتی بر تراز تجاری بخش صنعت و بخش خدمات و تأثیر منفی بر تراز تجاری بخش کشاورزی و بخش نفت و گاز در ایران دارد و هر چه درجه آزاد سازی تجاری بیشتر باشد شدت این آثار بیشتر می‌شود، در مجموع تراز تجاری ایران کاهش می‌یابد. با کاهش تعرفه‌های بخش کشاورزی و افزایش واردات ایران، بخشی از منابع اختصاص یافته به این بخش به سایر بخش‌ها (بخش صنعت) منتقل می‌شود، این امر در صادرات بخش صنعت مؤثر بوده است. کاهش تعرفه‌های بخش کشاورزی تأثیر مثبتی بر تراز تجاری بخش کشاورزی، بخش صنعت و بخش خدمات و تأثیر منفی بر تراز تجاری بخش خدمات در اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارد و هر چه درجه آزاد سازی تجاری بیشتر باشد شدت این آثار بیشتر می‌شود، در مجموع تراز تجاری اتحادیه اقتصادی اوراسیا افزایش می‌یابد. با کاهش تعرفه‌های بخش کشاورزی و افزایش صادرات اتحادیه اقتصادی اوراسیا، بخشی از منابع اختصاص یافته به سایر بخش‌ها (بخش صنعت) به بخش کشاورزی منتقل می‌شود، این امر در واردات بخش صنعت مؤثر بوده است.

جدول ۵. آثار کاهش تعرفه بخش کشاورزی بر تغییرات تراز تجاری در بخش های مختلف اقتصادی (میلیون دلار)

سناریوها / مناطق / بخش ها	بخش کشاورزی	بخش نفت و گاز	بخش صنعت	بخش خدمات	مجموع	
سناریوی اول	ایران	-۸۵/۷۵	-۴۰/۸۰	۸۵/۲۰	۳/۸۱	-۳۷/۵۴
	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۱۴۳/۲۲	۴۰/۵۸	-۱۴۱/۸۱	-۱۳/۰۶	۲۸/۹۳
	سایر مناطق	-۷۳/۷۷	۰/۲۳	۵۷/۴۵	۲۴/۷۰	۸/۶۱
سناریوی دوم	ایران	-۱۷۱/۶۶	-۸۱/۶۷	۱۷۰/۵۵	۷/۶۳	-۷۵/۱۴
	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۲۸۶/۶۷	۸۱/۲۳	-۲۸۳/۸۵	-۲۶/۱۴	۵۷/۹۱
	سایر مناطق	-۱۴۷/۶۴	۰/۴۶	۱۱۴/۹۹	۴۹/۴۳	۱۷/۲۳
سناریوی سوم	ایران	-۲۵۷/۴۲	-۱۲۲/۴۷	۲۵۵/۷۵	۱۱/۴۵	-۱۱۲/۶۸
	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۴۲۹/۸۹	۱۲۱/۸۱	-۴۲۵/۶۶	-۳۹/۲۰	۸۶/۸۴
	سایر مناطق	-۲۲۱/۴۰	۰/۶۸	۱۷۲/۴۴	۷۴/۱۳	۲۵/۸۴
سناریوی چهارم	ایران	-۳۴۳/۱۷	-۱۶۳/۲۶	۳۴۰/۹۵	۱۵/۲۶	-۱۵۰/۲۳
	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۵۷۳/۱۱	۱۶۲/۳۹	-۵۶۷/۴۷	-۵۲/۲۶	۱۱۵/۷۷
	سایر مناطق	-۲۹۵/۱۷	۰/۹۱	۲۲۹/۸۹	۹۸/۸۳	۳۴/۴۶

مأخذ: همان.

در جدول ۶ اثر کاهش تعرفه بخش کشاورزی بر تغییر تراز تجاری بخش های مختلف اقتصادی به تفکیک تغییر در ارزش کالاهای صادراتی و تغییر در ارزش کالاهای وارداتی در سناریوی دوم برای مناطق مختلف ارائه شده است.

جدول ۶. اثر کاهش تعرفه بخش کشاورزی بر تغییر تراز تجاری در سناریوی دوم (میلیون دلار)

مجموع	خدمات	صنعت	نفت و گاز	کشاورزی	مناطق / تراز پرداخت‌ها / بخش‌ها	
۶۸/۸۹	۷/۵۵	۹۶/۲۵	-۷۸/۹۷	۴۴/۰۵	تغییر در ارزش کالاهای صادراتی	ایران
۱۴۴/۰۳	-۰/۰۸	-۷۴/۳	۲/۷	۲۱۵/۷۲	تغییر در ارزش کالاهای وارداتی	
-۷۵/۱۴	۷/۶۳	۱۷۰/۵۵	-۸۱/۶۷	-۱۷۱/۶۶	تغییر تراز تجاری	
۲۳۲/۲	-۱۲/۵۳	-۲۰۲/۳۳	۷۲/۳	۳۷۴/۷۵	تغییر در ارزش کالاهای صادراتی	اتحادیه اقتصادی اوراسیا
۱۷۴/۲۹	۱۳/۶۱	۸۱/۵۲	-۸/۹۳	۸۸/۰۸	تغییر در ارزش کالاهای وارداتی	
۵۷/۹۱	-۲۶/۱۴	-۲۸۳/۸۵	۸۱/۲۳	۲۸۶/۶۷	تغییر تراز تجاری	
-۶۱/۱۶	۴۰/۴۳	۶۳/۵۲	۱۵/۶۳	-۱۸۰/۷۳	تغییر در ارزش کالاهای صادراتی	سایر مناطق
-۷۸/۳۹	-۹	-۵۱/۴۷	۱۵/۱۷	-۳۳/۱	تغییر در ارزش کالاهای وارداتی	
۱۷/۲۳	۴۹/۴۳	۱۱۴/۹۹	۰/۴۶	-۱۴۷/۶۴	تغییر تراز تجاری	

مأخذ: همان.

منفی شدن تغییر در تراز تجاری بخش کشاورزی در ایران ناشی از افزایش در ارزش صادرات (۴۴/۰۵ میلیون دلار) و افزایش در ارزش واردات (۲۱۵/۷۲ میلیون دلار) بوده و مثبت شدن تغییر در تراز تجاری بخش صنعت در ایران ناشی از افزایش در ارزش صادرات (۹۶/۲۵ میلیون دلار) و کاهش در ارزش واردات (۷۴/۳۰ میلیون دلار) بوده است. مثبت شدن تغییر در تراز تجاری بخش کشاورزی در اتحادیه اقتصادی اوراسیا ناشی از افزایش در ارزش صادرات (۳۷۴/۷۵ میلیون دلار) و افزایش در ارزش واردات (۸۸/۰۸ میلیون دلار) بوده و منفی شدن تغییر در تراز تجاری بخش صنعت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا ناشی از کاهش در ارزش صادرات (۲۰۲/۳۳ میلیون دلار) و افزایش در ارزش واردات (۸۱/۲۵ میلیون دلار) بوده است. منفی شدن تغییر در تراز تجاری بخش کشاورزی در سایر مناطق ناشی از کاهش در ارزش صادرات (۱۸۰/۷۳ میلیون دلار) و کاهش در ارزش واردات (۳۳/۱۰ میلیون دلار) بوده و مثبت شدن تغییر در تراز تجاری بخش صنعت در سایر مناطق

ناشی از افزایش در ارزش صادرات (۶۳/۵۲ میلیون دلار) و کاهش در ارزش واردات (۵۱/۴۷ میلیون دلار) بوده است.

### ۳-۴. آثار کاهش تعرفه بخش نفت و گاز بر تراز تجاری بخش‌ها و مناطق مختلف

در جدول ۷ آثار کاهش تعرفه بخش نفت و گاز بر تراز تجاری بخش‌ها (کشاورزی، نفت و گاز، صنعت و خدمات) و مناطق مختلف (ایران، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سایر مناطق) در سناریوهای مختلف ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که کاهش تعرفه بخش نفت و گاز اثر چندانی بر تراز تجاری مناطق مختلف ندارد. با توجه به پایین بودن نرخ تعرفه در این بخش، آثار چندانی مشاهده نمی‌شود.

جدول ۷. آثار کاهش تعرفه بخش نفت و گاز بر تراز تجاری در بخش‌های مختلف اقتصادی (میلیون دلار)

مجموع	بخش خدمات	بخش صنعت	بخش نفت و گاز	بخش کشاورزی	سناریوها / مناطق / بخش‌ها	
-۰/۰۳	۰/۰۰	۰/۰۵	-۰/۰۸	-۰/۰۰	ایران	سناریوی اول
۰/۰۲	-۰/۰۱	-۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۰۰	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	
۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۳	-۰/۰۳	۰/۰۰	سایر مناطق	
-۰/۰۶	۰/۰۱	۰/۰۹	-۰/۱۵	-۰/۰۰	ایران	سناریوی دوم
۰/۰۴	-۰/۰۲	-۰/۱۵	۰/۲۱	۰/۰۰	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	
۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۶	-۰/۰۶	۰/۰۰	سایر مناطق	
-۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۱۴	-۰/۲۳	-۰/۰۱	ایران	سناریوی سوم
۰/۰۶	-۰/۰۳	-۰/۲۳	۰/۳۲	۰/۰۰	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	
۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۹	-۰/۰۹	۰/۰۰	سایر مناطق	
-۰/۰۸	-۰/۰۱	۰/۰۹	-۰/۱۶	-۰/۰۰	ایران	سناریوی چهارم
۰/۰۳	-۰/۰۶	-۰/۲۰	۰/۲۹	-۰/۰۰	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	
۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۱۲	-۰/۱۵	۰/۰۱	سایر مناطق	

مأخذ: همان.

#### ۴-۴. آثار کاهش تعرفه بخش صنعت بر تراز تجاری بخش‌ها و مناطق مختلف

در جدول ۸ آثار کاهش تعرفه بخش صنعت بر تراز تجاری بخش‌ها (کشاورزی، نفت و گاز، صنعت و خدمات) و مناطق مختلف (ایران، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سایر مناطق) در سناریوهای مختلف ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که کاهش تعرفه‌های بخش صنعت تأثیر منفی بر تراز تجاری بخش صنعت در ایران دارد و هر چه درجه آزادسازی تجاری بیشتر باشد شدت این آثار بیشتر می‌شود؛ در مجموع تراز تجاری ایران کاهش می‌یابد. کاهش تعرفه‌های بخش صنعت تأثیر مثبتی بر تراز تجاری بخش صنعت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارد و هر چه درجه آزادسازی تجاری بیشتر باشد شدت این آثار بیشتر می‌شود. در مجموع تراز تجاری اتحادیه اقتصادی اوراسیا کاهش می‌یابد و تعرفه‌های بخش صنعت تأثیر مثبتی بر تراز تجاری بخش صنعت در سایر مناطق دارد و هر چه درجه آزادسازی تجاری بیشتر باشد شدت این آثار بیشتر می‌شود. در مجموع تراز تجاری سایر مناطق افزایش می‌یابد.

جدول ۸. آثار کاهش تعرفه بخش صنعت بر تراز تجاری در بخش‌های مختلف اقتصادی (میلیون دلار)

سناریوها / مناطق / بخش‌ها	بخش کشاورزی	بخش نفت و گاز	بخش صنعت	بخش خدمات	مجموع
سناریوی اول	ایران	۱/۰۲	۴/۳۶	-۲۶/۴۷	۶/۴۱
	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	-۴/۰۱	-۳۱/۳۶	۵۱/۴۶	-۲۴/۶۱
	سایر مناطق	۲/۹۶	۲۶/۹۷	-۳۲/۹۵	۲۶/۲۲
سناریوی دوم	ایران	۲/۰۷	۸/۹۰	-۵۲/۴۳	۱۳/۰۲
	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	-۸/۰۵	-۶۳/۰۰	۱۰۳/۳۹	-۴۹/۴۱
	سایر مناطق	۵/۹۱	۵۴/۰۵	-۶۵/۹۱	۵۲/۴۶
سناریوی سوم	ایران	۳/۰۸	۱۳/۲۶	-۷۹/۹۰	۱۹/۴۳
	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	-۱۲/۰۶	-۹۴/۳۶	۱۵۴/۸۵	-۷۴/۰۲
	سایر مناطق	۸/۸۷	۸۱/۰۲	-۹۸/۸۶	۷۸/۶۹
سناریوی چهارم	ایران	۴/۱۱	۱۷/۷۰	-۱۰۶/۵۵	۲۵/۹۳
	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	-۱۶/۰۷	-۱۲۵/۷۶	۲۰۶/۳۹	-۹۸/۶۵
	سایر مناطق	۱۱/۸۱	۱۰۷/۹۵	-۱۳۱/۷۰	۱۰۴/۸۲

مأخذ: همان.

در جدول ۹ اثر کاهش تعرفه بخش صنعت بر تغییر تراز تجاری بخش‌های مختلف اقتصادی به تفکیک تغییر در ارزش کالاهای صادراتی و تغییر در ارزش کالاهای وارداتی، در سناریوی دوم برای مناطق مختلف ارائه شده است.



جدول ۰۹. اثر کاهش تعرفه بخش صنعت بر تغییر تراز تجاری در سناریو دوم (میلیون دلار)

مجموع	خدمات	صنعت	نفت و گاز	کشاورزی	مناطق / تراز پرداخت ها / بخش ها	
۱۰۲/۷۳	۷/۶۵	۸۵/۷۲	۸/۷۳	۰/۶۳	تغییر در ارزش کالاهای صادراتی	ایران
۱۳۲/۱۷	-۵/۳۷	۱۳۹/۱۵	-۰/۱۷	-۱/۴۴	تغییر در ارزش کالاهای وارداتی	
-۲۹/۴۴	۱۳/۰۲	-۵۳/۴۳	۸/۹	۲/۰۷	تغییر تراز تجاری	
۱۲۵/۵۳	-۲۰/۵۴	۲۰۸/۷۷	-۵۸/۵۸	-۴/۱۲	تغییر در ارزش کالاهای صادراتی	اتحادیه اقتصادی اوراسیا
۱۴۲/۵۹	۲۸/۸۸	۱۰۵/۳۷	۴/۴۱	۳/۹۳	تغییر در ارزش کالاهای وارداتی	
-۱۷/۰۶	-۴۹/۴۱	۱۰۳/۳۹	-۶۳	-۸/۰۵	تغییر تراز تجاری	
-۷/۶	۳۴/۰۵	-۱۲۸/۱۹	۸۴/۴۴	۲/۱۱	تغییر در ارزش کالاهای صادراتی	سایر مناطق
-۵۴/۱۱	-۱۸/۴۲	-۶۲/۲۸	۳۰/۳۹	-۳/۸	تغییر در ارزش کالاهای وارداتی	
۴۶/۵۱	۵۲/۴۶	-۶۵/۹۱	۵۴/۰۵	۵/۹۱	تغییر تراز تجاری	

مأخذ: همان.

منفی شدن تغییر در تراز تجاری بخش صنعت در ایران ناشی از افزایش در ارزش صادرات (۸۵/۷۲ میلیون دلار) و افزایش در ارزش واردات (۱۳۹/۱۵ میلیون دلار) بوده است. سایر بخش ها در جدول ارائه شده است. مثبت شدن تغییر در تراز تجاری بخش صنعت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا ناشی از افزایش در ارزش صادرات (۲۰۸/۷۷ میلیون دلار) و افزایش در ارزش واردات (۱۰۵/۳۷ میلیون دلار) بوده و منفی شدن تغییر در تراز تجاری بخش خدمات در اتحادیه اقتصادی اوراسیا ناشی از کاهش در ارزش صادرات (۲۰/۵۴ میلیون دلار) و افزایش در ارزش واردات (۲۸/۸۸ میلیون دلار) بوده است. منفی شدن تغییر در تراز تجاری بخش صنعت در سایر مناطق ناشی از افزایش در ارزش صادرات (۳۴/۰۵ میلیون دلار) و کاهش در ارزش واردات (۱۸/۴۲ میلیون دلار) بوده است.

۴-۵. آثار کاهش تعرفه بخش خدمات بر تراز تجاری بخش‌ها و مناطق مختلف

در جدول ۱۰ آثار کاهش تعرفه بخش خدمات بر تراز تجاری بخش‌ها (کشاورزی، نفت و گاز، صنعت و خدمات) و مناطق مختلف (ایران، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سایر مناطق) در سناریوهای مختلف ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد کاهش تعرفه بخش خدمات اثر چندانی بر تراز تجاری مناطق مختلف ندارد. در این مورد هم پایین بودن نرخ تعرفه در بی‌اثر بودن کاهش نرخ تعرفه بر تراز تجاری مؤثر بوده است.

جدول ۱۰. آثار کاهش تعرفه بخش خدمات بر تراز تجاری در بخش‌های مختلف اقتصادی (میلیون دلار)

مجموع	بخش خدمات	بخش صنعت	بخش نفت و گاز	بخش کشاورزی	سناریوها / مناطق / بخش‌ها	
-۰/۰۸	-۰/۷۳	۰/۵۷	۰/۰۴	۰/۰۳	ایران	سناریوی اول
-۰/۳۳	۱/۹۰	-۲/۲۴	۰/۰۳	-۰/۰۲	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	
-۰/۴۱	-۱/۱۸	۱/۶۷	-۰/۰۷	-۰/۰۱	سایر مناطق	
-۰/۶۶	-۱/۴۶	۱/۱۵	۰/۰۸	۰/۰۷	ایران	سناریوی دوم
-۰/۱۷	۳/۷۹	-۴/۴۷	۰/۰۷	-۰/۰۵	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	
۰/۸۳	-۲/۳۵	۳/۳۵	-۰/۱۵	-۰/۰۲	سایر مناطق	
-۰/۲۵	-۲/۱۹	۱/۷۲	۰/۱۱	۰/۱۰	ایران	سناریوی سوم
-۰/۹۹	۵/۶۹	-۶/۷۱	۰/۱۰	-۰/۰۷	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	
۱/۲۴	-۳/۵۳	۵/۰۲	-۰/۲۲	-۰/۰۳	سایر مناطق	
-۰/۳۴	-۲/۹۲	۲/۳۰	۰/۱۵	۰/۱۴	ایران	سناریوی چهارم
-۱/۳۲	۷/۵۸	-۸/۹۵	۰/۱۴	-۰/۰۹	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	
۱/۶۶	-۴/۷۰	۶/۷۰	-۰/۳۰	-۰/۰۴	سایر مناطق	

مأخذ: همان.

#### ۴-۶. آثار کاهش همزمان تعرفه همه بخش‌های اقتصادی بر تراز تجاری بخش‌ها

در جدول ۱۱ آثار کاهش تعرفه همه بخش‌های اقتصادی بر تراز تجاری بخش‌ها (کشاورزی، نفت و گاز، صنعت و خدمات) و مناطق مختلف (ایران، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سایر مناطق) در سناریوهای مختلف ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که کاهش همزمان تعرفه همه بخش‌های اقتصادی تأثیر منفی بر تراز تجاری بخش‌های کشاورزی و نفت و گاز و تأثیر مثبت بر تراز تجاری بخش‌های صنعت و خدمات در ایران دارد. هر چه درجه آزادسازی تجاری بیشتر باشد، شدت این آثار بیشتر می‌شود و در مجموع تراز تجاری ایران کاهش می‌یابد. کاهش همزمان تعرفه همه بخش‌های اقتصادی تأثیر منفی بر تراز تجاری بخش صنعت و بخش خدمات و تأثیر مثبت بر تراز تجاری کشاورزی و بخش نفت و گاز در اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارد و هر چه درجه آزادسازی تجاری بیشتر باشد شدت این آثار بیشتر می‌شود. در مجموع تراز تجاری اتحادیه اقتصادی اوراسیا افزایش می‌یابد و کاهش همزمان تعرفه همه بخش‌های اقتصادی تأثیر منفی بر تراز تجاری بخش کشاورزی در سایر مناطق دارد، در مجموع تراز تجاری سایر مناطق افزایش می‌یابد.

جدول ۱۱. آثار کاهش همزمان تعرفه همه بخش‌های اقتصادی بر تراز تجاری در بخش‌های مختلف اقتصادی (میلیون دلار)

سناریوها / مناطق / بخش‌ها	بخش کشاورزی	بخش نفت و گاز	بخش صنعت	بخش خدمات	مجموع	
سناریوی اول	ایران	-۸۴/۷۱	-۳۶/۴۸	۵۹/۳۵	۹/۵۰	-۵۲/۳۴
	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۱۳۹/۱۹	۹/۳۶	-۹۲/۶۶	-۳۵/۷۸	۲۰/۱۰
	سایر مناطق	-۷۰/۸۲	۲۷/۱۰	۲۶/۲۰	۴۹/۷۶	۳۲/۲۴
سناریوی دوم	ایران	-۱۶۹/۵۳	-۷۲/۸۵	۱۱۸/۳۶	۱۹/۲۰	-۱۰۴/۸۱
	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۲۷۸/۵۸	۱۸/۵۱	-۱۸۵/۰۸	-۷۱/۷۸	۴۰/۲۲
	سایر مناطق	-۱۴۱/۷۴	۵۴/۲۹	۵۲/۴۸	۹۹/۵۵	۶۴/۵۹
سناریوی سوم	ایران	-۲۵۴/۲۴	-۱۰۹/۳۳	۱۷۷/۷۱	۲۸/۷۰	-۱۷۵/۱۵
	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۴۱۷/۷۷	۲۷/۸۷	-۲۷۷/۷۴	-۱۰۷/۵۷	۶۰/۳۳
	سایر مناطق	-۲۱۲/۵۶	۸۱/۳۹	۷۸/۶۹	۱۴۹/۳۱	۹۶/۸۳
سناریوی چهارم	ایران	-۳۳۸/۹۲	-۱۴۵/۵۷	۲۳۶/۷۸	۳۸/۲۶	-۲۰۹/۴۵
	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	۵۵۶/۹۴	۳۷/۰۶	-۳۷۰/۲۳	-۱۴۳/۳۸	۸۰/۴۰
	سایر مناطق	-۲۸۳/۳۹	۱۰۸/۴۲	۱۰۵/۰۰	۱۹۹/۰۳	۱۲۹/۰۵

مأخذ: همان.

در جدول ۱۲ اثر کاهش همزمان تعرفه همه بخش‌های اقتصادی بر تغییر تراز تجاری بخش‌های مختلف اقتصادی به تفکیک تغییر در ارزش کالاهای صادراتی و تغییر در ارزش کالاهای وارداتی در سناریوی دوم برای مناطق مختلف ارائه شده است.

جدول ۱۲. اثر کاهش هم‌زمان تعرفه همه بخش‌های اقتصادی بر تغییر تراز تجاری در سناریوی دوم (میلیون دلار)

مجموع	خدمات	صنعت	نفت و گاز	کشاورزی	مناطق / تراز پرداخت‌ها / بخش‌ها	
۱۷۳/۲۴	۱۵/۸۶	۱۸۲/۵۷	-۶۹/۹	۴۴/۷۱	تغییر در ارزش کالاهای صادراتی	ایران
۲۷۸/۰۵	-۳/۳۵	۶۴/۲۱	۲/۹۴	۲۱۴/۲۴	تغییر در ارزش کالاهای وارداتی	
-۱۰۴/۸۱	۱۹/۲	۱۱۸/۳۶	-۷۲/۸۵	-۱۶۹/۵۳	تغییر تراز تجاری	
۳۵۹/۴۲	-۲۸/۵۱	۳/۴۲	۱۳/۹۱	۳۷۰/۵۹	تغییر در ارزش کالاهای صادراتی	اتحادیه اقتصادی اوراسیا
۳۱۹/۱۹	۴۳/۲۷	۱۸۸/۵	-۴/۵۹	۹۲/۰۱	تغییر در ارزش کالاهای وارداتی	
۴۰/۲۲	-۷۱/۷۸	-۱۸۵/۰۸	۱۸/۵۱	۲۷۸/۵۸	تغییر تراز تجاری	
-۶۸/۶۵	۷۱/۹۵	-۶۱/۹۹	۱۰۰	-۱۷۸/۶۲	تغییر در ارزش کالاهای صادراتی	سایر مناطق
-۱۳۳/۲۴	-۲۷/۶	-۱۱۴/۴۷	۴۵/۷	-۳۶/۸۷	تغییر در ارزش کالاهای وارداتی	
۶۴/۵۹	۹۹/۵۵	۵۲/۴۸	۵۴/۲۹	-۱۴۱/۷۴	تغییر تراز تجاری	

مأخذ: همان.

منفی شدن تغییر در تراز تجاری بخش کشاورزی در ایران ناشی از افزایش در ارزش صادرات (۴۴/۷۱ میلیون دلار) و افزایش در ارزش واردات (۲۱۴/۲۴ میلیون دلار) بوده و مثبت شدن تغییر در تراز تجاری بخش صنعت در ایران ناشی از افزایش در ارزش صادرات (۱۸۲/۵۷ میلیون دلار) و افزایش در ارزش واردات (۶۴/۲۱ میلیون دلار) بوده است. مثبت شدن تغییر در تراز تجاری بخش کشاورزی در اتحادیه اقتصادی اوراسیا ناشی از افزایش در ارزش صادرات (۳۷۰/۵۹ میلیون دلار) و افزایش در ارزش واردات (۹۲/۰۱ میلیون دلار) بوده و منفی شدن تغییر در تراز تجاری بخش صنعت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا ناشی از افزایش در ارزش صادرات (۳/۴۲ میلیون دلار) و افزایش در ارزش واردات (۱۸۸/۵۰ میلیون دلار) بوده است. منفی شدن تغییر در تراز تجاری بخش کشاورزی در سایر مناطق ناشی از کاهش در ارزش صادرات (۱۷۸/۶۲ میلیون دلار) و کاهش در ارزش واردات (۳۶/۸۷ میلیون دلار) بوده است.

دلار) بوده است. جداول ۱ الی ۱۲ حاوی نکات متعددی است که به برخی از آنها اشاره شد، بررسی دقیق جداول ذکر شده می تواند عامل مهمی در اتخاذ سیاست های اقتصادی باشد.

### ۵. جمع بندی، نتیجه گیری و پیشنهادهای سیاستی

اتحادیه اقتصادی اوراسیا یک سازمان نوظهور در بین سازمان های منطقه ای و در حال تبدیل شدن به یکی از قطب های مهم اقتصادی و سیاسی جهان است. این اتحادیه یکی از مهمترین اتحادیه های اقتصادی در همسایگی ایران است که کشورهای عضو آن دارای نقاط مشترک فرهنگی و سیاسی با کشورمان است. با توجه به واقعیت های فعلی کشور، توسعه تجارت با کشورها و اتحادیه های مختلف اقتصادی به منظور دستیابی به رشد و توسعه، یک ضرورت است و می تواند باعث کاهش فشار تحریمی غرب شود. با توجه به استمرار تحریم های آمریکا علیه ایران و نیز روابط نه چندان مطلوب با اروپا ناشی از بحران سیاسی، یکی از گزینه های پیش روی ایران، می تواند توسعه تجارت با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و استفاده از پتانسیل آن باشد. اگرچه در بررسی اثرات موافقت نامه تجارت آزاد، تمام جنبه های مربوط به تجارت و سرمایه گذاری مورد بررسی قرار می گیرد، در این پژوهش فقط جنبه تجارت بررسی شده است، از این رو چندین سناریوی ممکن (کاهش ۲۵ درصدی، کاهش ۵۰ درصدی، کاهش ۷۵ درصدی و کاهش ۱۰۰ درصدی نرخ تعرفه ها)، در ارتباط با کاهش یا حذف موانع تجاری بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا بررسی شده است. داده های مورد نیاز برای انجام این تحقیق از نسخه ۱۰ پایگاه داده های پروژه تحلیل تجارت جهانی استخراج شده است، این داده ها شامل ماتریس حسابداری اجتماعی ۱۴۱ کشور (یا همان منطقه) و ۶۵ بخش، در سال ۲۰۱۴ است. داده ها در قالب چهار بخش (۱. کشاورزی، جنگل داری و ماهیگیری، ۲. نفت، گاز، زغال سنگ و مواد معدنی، ۳. صنعت، ۴. خدمات) و پنج عامل تولیدی (نیروی کار ماهر، نیروی کار غیر ماهر، منابع طبیعی، زمین و سرمایه)

و سه منطقه ایران، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سایر کشورها تجمیع شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کاهش تعرفه‌های بخش کشاورزی تأثیر مثبتی بر رفاه ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارد و هر چه درجه آزادسازی تجاری بیشتر باشد رفاه نیز افزایش می‌یابد. همچنین کاهش تعرفه‌های بخش صنعت تأثیر منفی بر رفاه ایران و رفاه بقیه کشورهای دنیا (سایر مناطق) دارد و هر چه درجه آزادسازی تجاری بیشتر باشد رفاه نیز کاهش می‌یابد. گفتنی است که رفاه اتحادیه اقتصادی اوراسیا با کاهش تعرفه‌های بخش صنعت افزایش می‌یابد. کاهش تعرفه‌های بخش کشاورزی نیز تأثیر مثبتی بر تراز تجاری بخش صنعت و بخش خدمات و تأثیر منفی بر تراز تجاری بخش کشاورزی و بخش نفت و گاز در ایران دارد و نیز کاهش تعرفه‌های بخش صنعت تأثیر منفی بر تراز تجاری بخش صنعت در ایران دارد. مهمترین توصیه سیاستی با توجه به نتایج پژوهش و براساس الگوی پروژه تحلیل تجارت جهانی این است که کاهش تعرفه‌های بخش کشاورزی بر صادرات ایران در این بخش اثر چندانی ندارد و فقط واردات ایران در این بخش افزایش می‌یابد و بیشترین آثار کاهش تعرفه‌های بخش کشاورزی بر بخش صنعت منعکس می‌شود. در مجموع پیشنهاد می‌شود تغییر در تعرفه‌های بخش کشاورزی و صنعت در موافقت‌نامه با دقت بالایی انجام شود. براساس جداول ارائه شده در بخش حقایق آماری آشکار شده، حجم تجارت ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا بسیار پایین است و می‌توان با برنامه‌ریزی صحیح آن را افزایش داد که می‌تواند به عنوان یک فرصت استثنایی تلقی شود.

## منابع و مآخذ

۱. الهی، ناصر، الهه معصومزاده، سیدضیاءالدین کیاالحسینی و سیدهادی عربی (۱۳۹۹). «بررسی آثار بالقوه موافقتنامه تجاری بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر بخش‌های صادراتی صنعت و کشاورزی؛ رهیافتی از مدل جاذبه»، فصلنامه علمی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۱(۴۴).
  ۲. خازنی، محمدحسن و حامد حکمت‌آرا (۱۳۹۹). «بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای همکاری ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا»، چهارمین کنفرانس بین‌المللی علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و تحول، تفلیس - گرجستان.
  ۳. طباطبایی، سیدمرتضی، علی‌اصغر اسماعیل پورروشن، تهمینه دانیالی و حیدر لطفی (۱۳۹۹). «ارزیابی همگرایی‌های اقتصادی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای»، فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۲(۲).
  ۴. عسگری، منصور (۱۳۹۸). «عوامل مؤثر بر صادرات ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ۱۳(۳).
  ۵. فرسائی، شهرام، حاکم قاسمی و بهرام نوازی (۱۳۹۸). «فرصت‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در همگرایی با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی»، فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۵(۱۰۸).
  ۶. مردیها، سارا، کریم آذربایجانی، سیدکمیل طیبی و داود جعفری (۱۳۹۹). «ارزیابی اثرات اقتصادی عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای: کاربردی از مدل شبیه‌سازی جهانی»، تحقیقات اقتصادی، ۵۵(۱).
  ۷. مهکویی، حجت و مهناز گودرزی (۱۳۹۸). «تأثیر اتحادیه اقتصادی اوراسیا بر موقعیت ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات اوراسیایی مرکزی، دوره ۱۲، ش ۲.
8. Aggarwal, V. and S. Urata (2013). *Bilateral Trade Agreements in the Asia-Pacific: Origins, Evolution and Implications*, Routledge.
9. Aggarwal, V. K. and S. Lee (2010). *Trade Policy in the Asia-Pacific: The Role of Ideas, Interests and Domestic Institutions*, Springer Science and Business Media.
10. Amiti, M., S. J. Redding and D. E. Weinstein (2019). "The Impact of the 2018 Tariffs on Prices and Welfare", *Journal of Economic Perspectives*, 33(4).
11. Baek, Y., K. Hayakawa, K. Tsubota, S. Urata and K. Yamanouchi (2021). "Tariff Pass-through in Wholesaling: Evidence from Firm-level Data in Japan", *Journal of the Japanese*, and *International Economies*, 62.
12. Baier, S. L. and J. H. Bergstrand (2007). "Do Free Trade Agreements Actually Increase Members' International Trade?", *Journal of International Economics*, 71(1).



13. Baldwin, R. (1993). *A Domino Theory of Regionalism*, In: National Bureau of Economic Research Cambridge, Mass, USA.
14. Baldwin, R. and D. Jaimovich (2012). “Are free Trade Agreements Contagious?”, *Journal of International Economics*, 88(1).
15. Baldwin, R. (2013). Trade and Industrialization after Globalization’s Second Unbundling: How Building and Joining a Supply Chain are Different and Why it Matters, In *Globalization in an Age of Crisis: Multilateral Economic Cooperation in the Twenty-first Century* University of Chicago Press.
16. --- (2006). “Multilateralising Regionalism: Spaghetti Bowls as Building Blocs on the Path to Global Free Trade”, *World Economy*, 29(11).
17. --- (2008). “Managing the Noodle Bowl: The Fragility of East Asian Regionalism”, *The Singapore Economic Review*, 53(03).
18. Bhagwati, J. (1998). “The Capital Myth: The Difference between Trade in Widgets and Dollars”, *Foreign Affairs*, 77(3).
19. Brockmeier, M. (2001). A Graphical Exposition of the GTAP Model, GTAP Technical Paper No. 8, Center for Global Trade Analysis, Purdue University.
20. Burfisher, M. E. (2021). *Introduction to Computable General Equilibrium Models*, Cambridge University Press.
21. Cernat, L. (2001). “Assessing Regional Trade Arrangements: Are South-South RTAs More Trade Diverting”, *Global Economy Quarterly*, 2(3).
22. Coe, D. T. and A. W. Hoffmaister (1999). “North-South Trade: Is Africa Unusual?”, *Journal of African Economies*, 8(2).
23. Das, R. U., P. Edirisuriya and A. Swarup (2012). *Regional Trade and Economic Integration: Analytical Insights and Policy Options*, World Scientific.
24. Dent, C. (2003). “Networking the Region? The Emergence and Impact of Asia-Pacific Bilateral Free Trade Agreement Projects”, *The Pacific Review*, 16(1).
25. Ethier, W. J. (1998). “The New Regionalism”, *The economic Journal*, 108(449).

26. Frankel, J., E. Stein and S.-J. Wei (1995). "Trading Blocs and the Americas: The Natural, the Unnatural and the Super-natural", *Journal of Development Economics*, 47(1).
27. Frankel, J. A., E. Stein and S.J. Wei (1997). *Regional Trading Blocs in the World Economic System*, Peterson Institute.
28. Garcia, M. (2012). "Competitive Fears: The EU, US and the Free Trade Agreements in East Asia", *EU External Affairs Review*, 2.
29. Grossman, G. M. and E. Helpman (1991). *Innovation and Growth in the Global Economy*, MIT Press.
30. Han, J., R.Liu, B. U. Marchand and J. Zhang (2016). "Market Structure, Imperfect Tariff Pass-through and Household Welfare in Urban China", *Journal of International Economics*, 100.
31. Hertel, T. and M. Tsigas (1997). Structure of the GTAP Model, *Global Trade Analysis: Modeling and Applications*, University of Cambridge.
32. Keller, W. (1998). "Are International R&D Spillovers Trade-related?: Analyzing Spillovers Among Randomly Matched Trade Partners", *European Economic Review*, 42(8).
33. Khan, M. A., N. Zada and K. Mukhopadhyay (2018). "Economic Implications of the Comprehensive and Progressive Agreement for Trans-Pacific Partnership (CPTPP) on Pakistan: A CGE Approach", *Journal of Economic Structures*, 7(1).
34. Khorana, S. and M. Garcia (2013). "EU-India Free Trade Agreement: One Step Forward, One Back", *Journal of Common Market Studies*, 41(3).
35. Khorana, S. and N. Perdakis (2010). "EU-India Free Trade Agreement: Deal or No Deal?", *South Asia Economic Journal*, 11(2).
36. Lee, J.-W. and K. Shin (2006). "Does Regionalism Lead to More Global Trade Integration in East Asia?", *The North American Journal of Economics and Finance*, 17(3).
37. Lipsey, R. G. (1957). "The Theory of Customs Unions: Trade Diversion and Welfare", *Economica*, 24(93).

38. Magee, C. S. (2003). "Endogenous Preferential Trade Agreements: An Empirical Analysis", *Contributions in Economic Analysis and Policy*, 2(1).
39. Mansfield, E. D. and H. V. Milner (2012). *Votes, Vetoes and the Political Economy of International Trade Agreements*, Princeton University Press.
40. Ng, T. H. and D. L. Yarcia (2014). *Has Regional Integration Led to Greater Risk-Sharing in Asia?* (No. 135), ADB Working Paper Series on Regional Economic Integration, Asian Development Bank.
41. Nugraheni, R. D. and T. Widodo (2018). The Impact of ASEAN'S FTAs with China, Japan, Korea and Australia-New Zealand: *An Analysis in GTAP Framework*, MPRA Paper No. 86693.
42. Panagariya, A. (1999). *Free Trade Area of the Americas: Good for Latin America?* World Scientific Book Chapters.
43. Panagariya, A. (2000). "Preferential Trade Liberalization: The Traditional Theory and New Developments", *Journal of Economic literature*, 38(2).
44. Panagariya, A. and J. Bhagwati (1996). *The Economics of Preferential Trade Agreements*, Books.
45. Qi, C. and J. X. Zhang (2018). "The Economic Impacts of the China-Australia Free Trade Agreement-A general Equilibrium Analysis", *China Economic Review*, 47.
46. Quintana-Romero, L., N. K. Mun, R. Andrés-Rosales and J. Álvarez-García (2020). "Trade Complementarity and the Balance of Payments Constraint Hypothesis: A New Free Trade Agreement between Mexico and South Korea", *Mathematics*, 8(10).
47. Ravenhill, J. (2003). "The New Bilateralism in the Asia Pacific", *Third World Quarterly*, 24(2).
48. Robinson, S. and K. Thierfelder (2002). "Trade Liberalisation and Regional Integration: The Search for Large Numbers", *Australian Journal of Agricultural and Resource Economics*, 46(4).
49. Rutherford, T. (1998). *GTAP in GAMS: The Dataset and Static Model*, Department of Economics, University of Colorado.

50. Solís, M., B. Stallings and S. Katada (2009). *Competitive Regionalism: FTA Diffusion in the Pacific Rim*, Springer.
51. Srinivasan, T. N. (1998). *U Trade and Human Rights, V in Constituent Interests and US Trade Policies*, ed. by AV Deardorff, and RM Stern, chap. 12.
52. Summers, L. (1991). *Regionalism and the World Trading System*, Policy Implications of Trade and Currency Zones.
53. Thangavelu, S. M. (2019). "Feasibility Study on the Free Trade Agreement between the Kingdom of Cambodia and the Eurasian Economic Union", *Eria Research Project Report*, No. 16.
54. Vicard, V. (2009). "On Trade Creation and Regional Trade Agreements: Does Depth matter?", *Review of World Economics*, 145(2).
55. Viner, J. (1950). *The Customs Union Issue*, New York and London In: Carnegie Endowment for International Peace and Stevens and Sons.
56. Wonnacott, R. J. (1990). *US hub-and-spoke Bilaterals and the Multilateral Trading System*, CD Howe Institute.